

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن
إلى قيام يوم الدين

اللهم كن لوليّك الحجّة بن الحسن صلواتك عليه وعلى آبائه فى هذه الساعة وفى
كلّ ساعة وليّا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا وعينا حتى تسكنه أرضك طوعا وتمتّعه
فيها طويلا.

اللهم العن أوّل ظالم ظلم حقّ محمّد وآل محمّد وآخر تابع له على ذلك اللهم
العن العصاة التى جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم
جميعا.

السلام عليك يا أبا عبد الله وعلى الارواح التى حلت بفنائك عليك منى سلام الله
أبدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منى لزيارتكم، السلام على
الحسين وعلى عليّ بن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين.

اللهم خصّ أنت أوّل ظالم باللعن منى وابدء به أوّلا ثم العن الثانى والثالث والرابع
اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد وبن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل
أبى سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة.

شنبه ۹۸/۳/۱۸ (جلسه ۴۶۸)

كلام در صلاة در دار غضبى بود در حال اضطرار كه اگر شخص، مضطر شد
مرحوم آخوند فرمود تارة لابسوء الاختيار است كه بحش گذشت و اخرى بسوء
الاختيار است.

اضطرار بسوء الاختيار

در اضطرار بسوء الاختيار، ما بايد در دو مقام بحث كنيم. يك مقام در حرمت اين غضب در حال اضطرار بسوء الاختيار است. يك مقام هم صلواتي است كه انسان در اين حالت مي خواند.

اما حرمتش: مثالش مثل كسي است كه بسوء اختيارش داخل در دار غضبي شده و الان هم دارد از دار غضبي خارج مي شود. حركت خروجيه دارد.

اينجا مرحوم آخوند فرمود كه اين حركت خروجيه، حرام است چون بسوء اختيار است. وقتي كه بسوء اختيار است، مبعوضيت برداشته نمي شود و الا اگر اينطور باشد لازم مي آيد كه حرمت، دائر مدار اراده مكلف باشد. اگر مكلف اراده كرد وارد دار غضبي بشود، حرمت برداشته مي شود چون مضطر مي شود. اين كه نمي شود.

ان قلت: مگر خروج از دار غضبي واجب نيست؟ خوب مقدمه ي واجب مگر واجب نيست. چطور شما مي فرماييد اين خروج حرام است و حال آن كه مقدمه واجب است؟

قلت: مي فرمايد در صورتي اين مقدمه واجب، واجب است كه خودش في حد نفسه مباح باشد. اما مقدمه حرام كه واجب نمي شود. اين مقدمه في حد نفسه و ذاتا حرام است.

ان قلت: درست است ولي اگر اين مقدمه حرام شد، ذي المقدمه واجب شد، مي شود تزاحم و اگر ذي المقدمه اهم باشد، حرمت مقدمه از بين مي رود. اينجا خروج از دار غضبي اهم است پس حرمت مقدمه از بين مي رود.

قلت: می فرماید درست است و خروج از دار غضبی اهم است ولی این در صورتی است که این حرام بسوء اختیار موجود نشده باشد اما اگر بسوء اختیار موجود شده باشد، معنا ندارد که حرمت از بین برود.

ان قلت: خلاصه بعد از آن که عقل حکم می کند به این که تو خارج بشو. چطور باز ممکن است قائل به حرمت بشویم؟

قلت: وجوب بالفعل این منافات ندارد با حرمت ذاتیش.

ان قلت: خوب این الآن مقذور نیست.

قلت: این مقذور به واسطه است. شما وقتی که بیرون دار غضبی بودی هم دخول در دار غضبی برایت حرام بود و هم خروج در دار غضبی برایت حرام بود و هم بقاء در دار غضبی. هر سه مقذور هم بود. شما به اختیار خودت، این فعل را غیر مقذور کردی. لازم نیست در تعلق تکلیف، ما ملتزم بشویم که آنی که تکلیف به آن تعلق می گیرد باید مقذور بدون واسطه باشد. اگر کسی خودش را از پشت بام انداخت، بگوییم القاء در تهلکه حرام نیست چون این شخص قدرت ندارد بر قتل نفس. نمی تواند خودش را نکشد! و الا اگر اینطور باشد همین اشکال در غضب بقائی هم هست. چون وقتی که داخل شد، غضب بقائی، برایش غیر مقذور است پس ما بگوییم حرمت ندارد؟! لذا در ما نحن فیه این که این فعل، مقذور به واسطه است، کافی است برای حرمت.

خوب اینها فرمایشات مرحوم آخوند ره بود.

مرحوم آقای خوئی و جماعت دیگر می فرمایند، آخوند هم این را دارد، که این حرکت خروجیه منهی به نهی سابق است نه منهی به نهی فعلی. وقتی که دارد خارج

می شود آن حین، نهی ندارد. این منهی به نهی سابق است. یعنی وقتی که وارد در دار غصبی می شود. قبل از آن که وارد بشود، شارع به او می فرماید لا تتدخل و لا تبقی و لا تخرج. نه داخل بشو و نه باقی بمان و نه خارج بشو. آن نهی سابق این فعل را مبقوض کرده و حرمت را آورده نه نهی فعلی.

این فرمایش مرحوم آقای خوئی ره که ظاهر کفایه هم هست، این یک طوری است! مقصود چیست؟ آن نهی سابق یعنی چه؟ یعنی الآن که من داخل دار غصبی نشدم به من می گوید لا تخرج؟ الآن لا تخرج؟ یا بعد از دخول لا تخرج؟

الآن لا تخرج که موضوع ندارد. بعد از دخول هم که شما می گوید نهی ساقط می شود. نهی باید به فعل بخورد تا مبعوضیت را ثابت بکند. چطور ممکن است یک نهی قبل از عصیان، ساقط بشود و این نهی مبعوضیت هم بیاورد؟! مثل این می ماند که امروز نهی بکند که شما فردا چیزی نخور. ولی فردا که آمد بگوید اشکال ندارد بخور یا باید بخوری. این جور در نمی آید با آن نهی دیروز که فردا چیزی نخور. این نهی که فردا چیزی نخور لغو است.

پس نهی از حرکت خروجی امکان ندارد نه قبل از دخول و نه بعد از دخول. خوب این مبعوضیت از کجا آمده؟ این مفسده از کجا آمده؟

ممکن است شما بگویید پس هر کسی که به اختیار خودش وارد دار غصبی شد، موقع خروج عقاب ندارد.

خوب ملتزم می شویم. چه اشکال دارد؟ می گوییم اگر کسی در دار غصبی وارد شد، موقع خروج عقاب ندارد. ولی عقاب دخولش را میشود.

آیا این خارج شدن را عقل حکم می کند یا نمی کند؟ حسن هست یا حسن نیست؟

الآن در این شرائط این فعل قبیح نیست چون درست است که عقل نمی گوید واجب است، عقل می گوید تو اقل القیحین را انجام بده. ولی خوب اقل القیحین را انجام بده، این فعل که حرام نیست.

لذا به عقل قاصر ما این شخص نمی شود گفت که حرکت خروجیه اش حرام است و مغضوب است و قبیح است.

لذا اگر مثلا یک کسی وارد دار غضبی شد و مرد، یک کسی وارد دار غضبی شد و خارج شد، آقای خوئی! آقای آخوند! می توانیم بگوییم این کسی که وارد دار غضبی شد و خارج شد بیشتر عقاب می شود از کسی که وارد دار غضبی شد و مرده؟ به این خاطر که بگوییم این کسی که مرده مثلا یک دقیقه غضب کرده و اینی که خارج شده پنج دقیقه غضب کرده!

دلیل بر این که حرکت خروجیه حرام است و مفسده دارد و قبیح است و نهی شاملش می شود، این برای ما واضح نیست.

اگر کسی بگوید در سیره عقلاء همین وقتی که این خارج می شود، او را تقبیح می کنند. پس معلوم می شود خروج هم حرام است.

می گوییم نه، در سیره عقلاء اینی که خارج می شود را تقبیح نمی کنند. مخصوصا اگر توبه کرده باشد و الآن پشیمان شده دارد می رود بیرون. پشیمان نشده باشد و دارد خارج می شود هم همینطور است ولی آنجایی که پشیمان شده به طریق اولی.

ما نمی توانیم این مطلب را ثابت کنیم که حرکت خروجیه به نهی سابق!

ان قلت: اگر کسی بگوید این حرکت خروجیه به نهی سابق، معنایش این نیست که یعنی شارع می فرماید لاتخرج تا شما بگویید این لاتخرج معنا ندارد. حرمت رفته روی عنوان غضب. لاتغضب نه لاتخرج نه لاتبقی.

قلت: درست است که لاتغضب ولی لاتغضب آقای خوئی به نظر شما انحلالی است و استمرار دارد. این لاتغضب تا کی هست؟ تا آخری که از دار غضبی خارج می شود هست؟ یا نه تا وقتی هست که می خواهد خارج بشود؟ خوب قطعا در حالت خروج دلیل ندارد. نه لایحل مال امرئ مسلم الا بطیة نفسه این خروج را شامل می شود و نه حکم عقل این حرکت خروجیه را شامل می شود. نه سیره عقلاء.

اما این جمله ای که آخوند فرمود: پس لازمه اش این است که حرام به اختیار خود انسان باشد. نه حرام به اختیار خود انسان نیست. اگر داخل شدی، آن پنج دقیقه ای که مشغول خروج هستی، حرام نیست. اصلا آن پنج دقیقه ای که در حال خروجی هیچ وقت حرام نیست. وقتی که داخل نشده که معنا ندارد و بعد از آن که داخل هم شدی، که آن حرمت ندارد. اگر مقصودت این است که پس به سوء اختیار که وارد شد، حرمت نیست: نه! آن حرکت خروجیه اصلا حرمت ندارد چه به سوء اختیار و چه به غیر سوء اختیار. آنی که مصداق حرکت خروجیه است، حرمت ندارد اصلا. و لذا ما نفهمیدیم چطور مرحوم آقای خوئی یا مرحوم آقای آخوند به این حرف راضی شده. علی رغم این که ما هم شاید مدتها فکر می کردیم که این حرام است، ولی الآن معلوم می شود که حرام نیست.

ان قلت: این شخص در ماه رمضان می رود به جائی که یقین دارد اگر برود به آنجا، او را وادار می کنند به مثلاً جماع یا غیر جماع که غیر جماع هم باشد منجر به نزول منی می شود. پس بگوییم این روزه اش درست است چون این حرام نیست.

می گوییم یعنی چه که این حرام نیست؟ اگر مقصودت این است که به عنوان در حال اضرار حرام نیست؟ بله در حال اضطرار حرام نیست. ولی این می گوید جماع نکن. نهی از جماع انحلالی است. این جماع نکن، خوب الآن می گوید جماع نکن. الآن این نهی هست.

اگر شما بگویید الآن این نهی هست؟! آن جماع را انجام نده؟!

می گوییم بله، آن جماع را انجام نده.

می گوید آن جماع که مضطر است!

می گوییم حکم منحصر نیست به این که جماع مضطر را نکن. حکم به طبعی جماع خورده. نهی از طبعی جماع شده که طبعی جماع را مرتکب نشو. طبعی جماع را مرتکب نشو، یک مطلب است و این جماع در حال اضطرار را مرتکب نشو یک مطلب است. شارع هم جماع را جزء مفطرات قرار داده این شخص هم جماع کرده. اما در ما نحن فیه کسی که وارد شد، غصب در آن چند دقیقه ممّا لابد منه است.

اگر کسی بگوید این جا هم جماع نکن، یعنی چه جماع نکن؟ یعنی جماع این لحظه را نکن، و جماع آن لحظه را نکن و به این شخص می گوید جماع یک ساعت دیگر را نکن ولو مطلق. خوب فرض این است که یک ساعت دیگر این شخص مضطر است. در این صورت چطور شارع می تواند به او بفرماید جماع نکن؟

عرض ما این است که این اشکال اینجا هم درست است. بله جماع ها انحلالی است و نسبت به آن جماع از این شخص نهی معنا ندارد.

پس بگوییم روزه اش باطل نیست؟ معاقب نیست؟

می گوییم روزه اش باطل است و معاقب هم هست.

به چه دلیل؟

می گوییم معاقب است بر این که چرا رفتی؟ شارع عقاب می کنی بر این که چرا رفتی به آنجا؟

می گوید بر مقدمه واجب که ثواب نیست و بر مقدمه حرام که عقاب نیست!

میگوییم که این حرفهایی است که شما اصولیین در آورده اید. روایت که ندارد که بر مقدمه واجب ثواب نیست. از دو حال خارج نیست. یا می گوید نمی شود گفت که کسی که به اختیار خودش، خودش را مضطر می کند این روزه اش باطل نمی شود. اجماع داریم. قطع داریم.

این قطع، وجه فینش دو راه ممکن است. یکی این که نهی به جماع بخورد و یکی این که نهی به مقدمه بخورد و ما اینجا قبول داریم که نهی به مقدمه می خورد. این غضب، فقط آنی که مصداق حرکت خروجیه است حرام نیست. قبلش که حرام است.

لذا این حرف حتی در آنجا، اگر کسی مضطر بشود به این که حرکت خروجیه داشته باشد یا مضطر بشود به اتیان مفطر، اگر شما اجماع قائلید، اگر شما از ادله قبول دارید فهمیده می شود، می گوییم تخریح فینش این است. اگر می گوید دلیل

نداریم، خوب آنجا هم ملتزم می شویم که اگر کسی به جایی رفت که آنجا مجبور می شود، مضطر می شود...

می گوید پس اگر اینطور باشد، این خیلی ولنگ و باز می شود. این شخص می رود در خیابان و یک زن فاحشه ای را می گیرد بعد به او می گوید این سم، تو بگو یا با من این کار را بکن یا می کشت. این حلال می شود؟!

نه! ما هم نمی پذیریم. نه ذوق شرع می پذیرد و نه ارتکاز متشرعه می پذیرد و نه عقلاء می پذیرند. اما این به خلاف حرکت خروجیه است. در حرکت خروجیه نه تقبیح عقلاء را داریم و نه این که این حکم عقل باشد و یا از اطلاقات باشد.

این در ما نحن فیه عرض ماست و هر چه که فکر می کنیم می بینیم اظهر من الشمس است.

این نقضی که کردم را در کلمات ندیدم که اگر کسی وارد دار غضبی شد و بلافاصله مرد با آن کسی که وارد دار غضبی می شود و هفت و هشت دقیقه طول می کشد تا خارج بشود آیا عقاب او بیشتر است؟! من فکر می کنم اگر کسی این نقض را به آقای خوئی و آخوند می کرد دست بر می داشتند. آیا واقعا عقاب این شخص بیشتر است؟ نمی شود ملتزم شد. مخصوصا اگر این شخص توبه کرده باشد. اینطوری که شما می گوید معنایش این است که یک کسی که وارد دار غضبی شد، توبه کرد، دارد خارج می شود باز بعد از خروج هم باید یک توبه بکند به خاطر این که یک حرمتی دوباره مرتکب شده.

اگر کسی بگوید نه، عرفا همان توبه قبلی کافی است.

می گوییم عرفا توبه قبلی کافی باشد پس شما ملتزم می شوید که این حرامی را
مرتکب شده که توبه اش راقبلا کرده؟!!

ما ملتزم می شویم که حرکت خروجیه، دلیلی بر حرمت ندارد و للكلام تنمة ان
شاء الله فردا و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم اجمعين.